

## مفهوم‌شناسی حقوق شهروندی با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)

۵۵

دوفصلنامه مطالعات  
حقوق و حقوق اجتماعی

جمشید صفاری  
مفهوم‌شناسی حقوق شهروندی با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)

جمشید صفاری<sup>\*۱</sup>

۱. دانشجوی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

### چکیده

حقوق شهروندی از جمله مفاهیم نوپدید است که به لحاظ ماهیتی در منابع اسلامی نیز می‌توان مصادیق آن را مشاهده نمود. حقوق شهروندی به‌عنوان بخشی از حقوق طبیعی افراد بشر متناسب با فرهنگ و هنجارهای حاکم بر هر جامعه و نگاه به جایگاه انسان در آن جامعه متفاوت خواهد بود. اما خواستگاه اصلی حقوق بشر فطرت انسان است و خالق این فطرت بهتر از سایرین می‌تواند قواعد آن را وضع نماید به همین جهت حقوق شهروندی را به‌عنوان جزئی از حقوق بشر با صبغه انسانی غنی‌تری می‌توان در منابع دینی و ادیان الهی یافت. حقوق شهروندی را به‌طور خلاصه می‌توان به حقوق و تکالیف فرد نسبت به دولت تعریف نمود که قوانین اساسی و مدنی هر کشور آن را مشخص می‌نماید لکن شهروند کسی است که مطلقاً تابع دولت‌ها نباشد بلکه از حقوق طبیعی و فطری نیز برخوردار باشد که دولت‌ها خود را ملزم به رعایتان بدانند. در این نوشته مفهوم حقوق شهروندی را تعریف و با تکیه بر اندیشه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره) تفسیر نموده و ضمناً رابطه آن با حقوق بشر را تبیین و از مفهوم حقوق شهری متمایز نماییم. در همین رابطه به بررسی مصادیق حقوق شهروندی در اندیشه امام خمینی (ره) و بررسی مصادیق آن در اندیشه اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت که حاصل این تحلیل نمایاندن عدم تضاد آموزه‌های اسلامی با حقوق بشر در معنای انسانی و حقیقی خود می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** حقوق بشر، حقوق شهری، حقوق شهروندی، امام خمینی، اسلام.

توأمان بودن زندگی با امنیت و آسایش و برابری همواره از بزرگ‌ترین آمال بشر بوده است. این آرزو به دنبال رشد فکری و فرهنگی جوامع بشری و تلاش دانشمندان در قالب حقوق شهروندی انسجام یافته است. حقوق شهروندی از جمله مباحث نوپدید است که در چند دهه اخیر وارد ادبیات حقوقی و سیاسی شده است. حقوق شهروندی از جمله مفاهیمی است که بعضاً به‌عنوان مفهومی موازی با حقوق بشر شناخته می‌شود حال آن‌که این دو مکمل یکدیگرند و البته مرزبندی آن‌ها امری دشوار است. حقوق شهروندی به‌عنوان امری که ریشه در فطرت انسان دارد مجموعه‌ای است از ارزش‌ها و قوانینی که در هر جامعه‌ای بسته به نوع نگرش آن جامعه به انسان و جایگاه او و با در نظر گرفتن موقعیت زمانی و مکانی برای حفظشان و کرامت او ضروری هست. برای درک بهتر مفهوم حقوق شهروندی در اسلام ضروری است که به بررسی مصداقی از آن در عصر حاضر بپردازیم، بهترین مصداق برای این امر زمامداری امام خمینی علیه السلام به‌عنوان تنها فقیهی که در دوره معاصر تشکیل حکومت داده‌اند. ایشان در موارد متعددی به لزوم رعایت حقوق بشر و شهروندی مؤکداً اشاره فرمودند و آنچه در غرب به‌عنوان حقوق بشر شناخته می‌شود را حربه‌ای برای سلب آزادی از انسان می‌دانند.

### ۱. مفهوم شهروند و حقوق شهروندی

شهروند به معنای ساکنان یک شهر (شهر در قدیم به معنی کشور بوده مانند ایران‌شهر یعنی مملکت ایران (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۳۱۴) می‌باشد که از حقوق و مزایای مدنی برابر بهره‌مند می‌شوند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۳۱۷). به‌عبارت دیگر شهروند فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی از حقوق سیاسی و مدنی بهره‌مند است و از طرف دیگر تکالیفی را در برابر دولت بر عهده دارد (خوئینی، ۱۳۸۶: ۱۸). پس شهروندی حالت انسانی است که از حقوق و مزایای مدنی مساوی برخوردار است هرچند که در دولت‌شهر نباشد، یعنی ساکن شهر دیگر باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۳۱۷). اما حقوق شهروندی، حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی، مانند حقوق سیاسی، حق استخدام، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی. بنابراین واژه مذکور اعم از حقوق سیاسی می‌باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۷۳۰). پس می‌توان گفت حقوق شهروندی، زمانی مطرح می‌شود که قرار است حقوق بشر در درون یک جامعه مدنی ذیل یک حکومت خاص در سرزمینی خاص و در

مورد مردمی خاص، شکل قانونی و اجرایی به خود بگیرد.

## ۲. تمایز حقوق بشر از حقوق شهروندی

حقوق بشر ناشی از حیثیت و کرامت ذاتی انسان است. گفته می‌شود که حقوق بشر عام و جهان‌شمول است و برای تثبیت حقوق فطری و طبیعی انسان است. حقوق بشر به هر انسان صرف‌نظر از زندگی در جامعه و یا جدا از جامعه و در انزوا و به‌تنهایی تعلق دارد. در حالی که حقوق شهروندی حقوق انسان، به خاطر زندگی در اجتماع معین است و با توجه به مقتضیات جوامع و شرایط زمانی و مکانی می‌تواند متفاوت باشد. بخش اساسی حقوق شهروندی ناشی از حقوق داخلی کشورهاست اما حقوق بشر و حقوق شهروندی دو مقوله کاملاً مجزا نیستند. اجرای حقوق بشر بستگی به حقوق شهروندی دارد. حقوقی که انسان به دلیل حیثیت و کرامت ذاتی خود دارد (حقوق بشر) با حقوقی که انسان مقیم یک اجتماع باید داشته باشد (حقوق شهروندی) دو مقوله متضاد نیستند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت نسبت بین حقوق شهروندی و حقوق بشر، عموم خصوص من وجه است. گرچه حقوق شهروندی و حقوق بشر در بسیاری از موارد به‌جای یکدیگر استفاده می‌شوند و بسیاری از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دو میثاق مربوط به آن حقوق بشر است و بسیاری از حقوق شهروندی، ریشه در حقوق بشر دارد، اما تمایز بین آن‌ها امکان‌پذیر است به‌عنوان مثال: حقوقی مثل حق زندگی (ماده ۳) منع شکنجه (ماده ۵) حق مالکیت (ماده ۱۷) حق آزادی بیان و عقیده (ماده ۱۹) منع حبس و توقیف و تبعید خودسرانه (ماده ۹) مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر ناشی از حیثیت و کرامت ذاتی انسان است و حقوق بشر محسوب می‌شود. اما مواردی در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دو میثاق مربوط به آن وجود دارد که به نظر نمی‌رسد ناشی از حیثیت و کرامت ذاتی انسان باشد و ابزار اجرا و محافظت از حقوق بشر و در واقع حقوق شهروندی است، نه حقوق بشر به معنی دقیق کلمه، مثل ماده ۸ اعلامیه در مورد حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه، ماده ۱۰ اعلامیه در مورد رسیدگی در دادگاه مستقل و به‌طور علنی، ماده ۲۰ اعلامیه در آزادی تشکیل مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز، ماده ۲۱ اعلامیه در حق نائل شدن به مشاغل عمومی کشور و بند ۳ همین ماده در انجام انتخابات به نحو عمومی و با رأی مخفی و موارد بسیاری نظیر آن وجود دارد که گرچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر شده است، ولی به نظر می‌رسد که حقوق شهروندی است نه حقوق بشر. همچنین در میثاق حقوق مدنی سیاسی ۱۹۶۶ نیز مواردی مثل ماده ۱۰ آن در نگاه‌داری جداگانه

متهمین از محکومین، ماده ۱۱ آن در منع زندانی کردن افراد به دلیل عدم قدرت به اجرای تعهدات قراردادی، ماده ۱۴ آن در حق سؤال متهم از شهود، به نظر می‌رسد که از حقوق شهروندی است، نه از حقوق بشر. در مقابل مواردی وجود دارد که بین حقوق بشر و حقوق شهروندی مشترک هستند. یعنی هم ناشی از حیثیت و کرامت ذاتی انسان است و هم این‌که به دلیل زندگی در یک اجتماع معین است و تحت تأثیر امکانات جامعه‌ای که شخص در آن زندگی می‌کند، می‌تواند متفاوت از جامعه‌ای دیگر باشد، مثل ماده ۱۲ اعلامیه جهانی در منع مداخله در زندگی خصوصی، امور خانوادگی و اقامتگاه و مکاتبات اشخاص بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی درباره تأمین سطح زندگی، سلامتی و رفاه اشخاص و خانواده‌اش و حمایت در مواقع بیکاری، نقص اعضا و ازکارافتادگی، بند ۲ ماده ۲۵ اعلامیه درباره حق بهره‌مندی ویژه مادران و کودکان از کمک و مراقبت و بهره‌مندی از حمایت اجتماعی و نیز ماده ۲۴ آن در حق استراحت و فراغت و تفریح برای اشخاص و محدودیت معقول ساعت کار (ناصرزاده، ۱۳۷۲: ۵۵).

### ۳. حقوق شهروندی و مفاهیم مشابه

در باب مفهوم حقوق شهروندی در بالا بحث شد اما برای تقریب به ذهن در رابطه با دو مفهوم حقوق شهروندی و حقوق شهری در ابتدا توضیح مختصری از مفهوم حقوق شهروندی خواهیم داد.

مجموعه حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی مانند: حقوق سیاسی، حق استخدام شدن، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داوری و مصدق واقع شدن؛ بنابراین واژه مذکور اعم از حقوق سیاسی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۷۳۰). پس می‌توان گفت مجموعه قوانینی است که در ابعاد حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و قضایی جهت اتباع یک کشور به‌طور یکسان در نظر گرفته شده است. حقوق شهروندی زمانی مطرح می‌شود که قرار است حقوق بشر در درون یک جامعه مدنی ذیل یک حکومت خاص در سرزمینی خاص و در مورد مردمی خاص، شکل قانونی و اجرایی به خود بگیرد.

#### ۳-۱. تعریف حقوق شهری

در عصر حاضر «شهرنشینی»، به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، یکی از ضروریات زندگی محسوب می‌شود. شهروندان عموماً با سلايق و انگیزه‌های مختلف در جامعه شهری به فعالیت می‌پردازند. عده‌ای برای کسب‌وکار، گروهی برای پر کردن اوقات فراغت و

گروهی دیگر برای آموختن مهارت‌های فردی و جمعی و... از این‌رو، زندگی اجتماعی مستلزم وجود روابط حقوقی بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه می‌باشد و این روابط اجتماعی می‌بایست تحت نظم و قاعده‌ای درآید. چه آن‌که، در صورت عدم وجود نظم و ضوابط در جامعه، زور، اجحاف و تزویر بر روابط بین افراد حاکم شده و این موضوع موجب ایجاد هرج و مرج و نابسامانی خواهد شد. فلذا، دولت‌ها و نهادهای عمومی با تعیین و تدوین قواعد و مقررات مربوطه، سیاست خاصی را در جهت تنظیم این روابط در پیش گرفته‌اند که بر روابط اشخاص در جامعه شهری حکومت می‌کند که اصولاً موضوع آن چگونگی روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و همچنین در برابر جامعه و اصول و هدف‌های آن است. پس به‌طور خلاصه حقوق شهروندی تا حدود زیادی منشعب از قانون اساسی است و بیش از آن‌که به رابطه افراد با یکدیگر بپردازد به حقوق افراد و شهروندان در نگاه حکومت‌ها می‌پردازد درحالی‌که حقوق شهری نگاهی جزئی‌تر نسبت به حقوق افراد دارد و نقطه ثقل توجه آن به حقوق شهروندان از منظر حکومت‌ها نیست.

### ۲-۳. تعریف حقوق بشر

حقوق بشر مجموعه حقوق مشترک، یکسان و برتری است که لازمه تأمین آزادی‌های اساسی، عدالت، صلح برای کلیه افراد بشر در جامعه جهانی محسوب می‌شود تا کلیه مردم، ملل و جمیع ارکان اجتماع در هر نقطه از جهان آن را مورد احترام و رعایت قرار دهند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۸: ۲۷۵). با این تعریف روشن می‌شود که حقوق بشر یک حقوق فراملی است که نسبت به تمام ملل در سطح جهانی حاکم است، درحالی‌که حقوق شهروندی مربوط به افراد در درون یک کشور و دولت است. این تفکیک به این معنا نیست که حقوق بشر با حقوق شهروندی بیگانه است، بلکه در قواعد حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر قواعدی مربوط به حقوق شهروندی نیز وجود دارد. این می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که دستیابی به حقوق بشر از طریق اجرای صحیح و تأمین حقوق شهروندی میسر خواهد بود (جناتی، ۱۳۷۰: ۷۷).

### ۳-۳. حقوق اساسی

حقوق اساسی مجموعه حقوقی است که برای افراد در روابطشان با دولت‌ها در نظر گرفته می‌شود. این حقوق در واقع همان حقوق عمده و اولیه‌ای است که متعلق به افراد یک جامعه است که به‌موجب قانون اساسی یا سایر قوانین کشور مورد شناسایی

قرار گرفته است. این حقوق برای هر فرد در ارتباط با دولت شرایطی را فراهم می آورد که باید از تعرض دولت در امان بماند و آزادانه از حقوق مدنی و قانونی خود بهره مند شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۶) با توجه به این توضیحات چنین استنباط می شود که حقوق اساسی و حقوق شهروندی مفاهیمی کاملاً نزدیک به هم هستند اما با وجود این از یکدیگر متمایزند. تمایز این دو مفهوم در این است که حقوق اساسی مانند حق حیات، حق تمامیت جسمی و روانی اشخاص و غیران که از حقوق بشر به شکل مطلق آن ناشی می شود، باید از طرف همه دولت ها و نهادها در مورد همگان رعایت گردد. اما بخش دیگری از این حقوق اساسی مانند حق مشارکت سیاسی که ملهم از حقوق بشر در شکل نسبی آن است، می تواند در برخی از قوانین اساسی، شکل ملی به خود بگیرد و فقط شامل حال شهروندان کشوری خاص گردد (صفایی، ۱۳۷۴: ۲۵۷-۲۵۹). این بخش به عنوان حقوق شهروندی شناخته می شود. بنابراین عامل ملی وجه تمایز میان حقوق اساسی و حقوق شهروندی است؛ حقوق اساسی حقوقی است خاص شهروندان یک کشور، که رابطه سیاسی و حقوقی ویژه ای با آن کشور تحت عنوان تابعیت یا شهروندی دارند.

#### ۴. مبانی اسلامی حقوق شهروندی

بشر از حیث بشر بودن، شایسته دارا بودن حقوق طبیعی و اولیه ای می باشد که ناظر بر مشترکات انسانی می باشد. حقوقی از قبیل حق حیات، حق آزادی و حق برخورداری از احترام به کرامت و حیثیت انسانی، چنان که در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده: شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد. لذا برای شناخت و رعایت حقوق فوق، نیازمند به شناخت انسان و حیثیت و کرامت او می باشیم.

#### ۴-۱. آزادی و کرامت انسانی

##### ۴-۱-۱. کرامت انسانی

«و آنچه در آسمانها و زمین است مسخر شما کرد که همه از اوست» (سوره مبارکه جاثیه / آیه ۱۳).

خداوند بنی آدم را از ابتدای خلقت مورد تکریم قرار داده از این رو ذاتاً و فطرتاً دارای حیثیت و کرامت می باشد. چنان که در قرآن آمده: «و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را به مویز خشکی و دریا سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه به آنها روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود فضیلت بخشیدیم» (سوره مبارکه بنی اسرائیل / آیه

۷۰). در قران کریم آیات بسیاری وجود دارد که مؤکد کرامت و حیثیت بشر می باشد، از جمله آن آیات عبارتند از: آیه ۳۰ و ۲۹ سوره مبارکه بقره، آیه ۲۵ سوره مبارکه مائده، آیه ۲۹ سوره مبارکه حجر، آیات ۱۱ و ۱۲ سوره مبارکه حجرات و مواردی دیگر از این قبیل. در اسلام کرامت طبیعی به دو نوع تقسیم می شود: یک. کرامت طبیعی و ذاتی . دو. کرامت اکتسابی. آنچه تاکنون مطرح شد مربوط به کرامت بالذات می باشد که خالق خلقت از ابتدای خلق بشر آن را در وجود او قرار داده است، لیکن کرامت اکتسابی که به آن کرامت ارزشی نیز می گویند، بدان معناست که اگر چه که همگان واجد شئون و حیثیت برابر هستند اما انسان قادر است با به کار انداختن استعدادهای خود، مراتب کمال انسانی را طی کند و به مدارج اعلا برسد و در نتیجه چنین تلاشی است که انسانها نسبت به یکدیگر برتری پیدا می کنند.

بنابراین زمینه ارزش و کرامت در انسان ذاتاً توسط خداوند متعال قرار داده شده است و اگر انسان در صدد هواپرستی و خودکامگی برآید، منزلت خود را متزلزل نموده و اگر ترک هوای نفس گوید کرامت او تثبیت شده و ارتقا می یابد (هاشمی، ۱۳۸۵: ۱۰۱-۱۰۲).

#### ۴-۱-۲. آزادی

آزادی یکی از مفاهیم بدیهی و ممتنع است. این که مفهوم آزادی بسیار روشن است، لیکن ارائه تعریف واحدی از این کلمه که به روشنی معانی آن را بیان کند کار دشواری است. «آزادی عبارت است از این که انسان، حق داشته باشد، هر کاری را که قانون اجازه داده است، انجام دهد و آنچه قانون منع کرده و صلاح او نیست مجبور به انجام آن نگردد» (قربانی، ۱۳۸۳: ۱۸۴) در واقع آزادی دارای دو وجه سلبی و ایجابی است که وجه ایجابی آن به معنای توان انتخاب و تصمیم گیری به اختیار خویش و به دور از فشار نیروهای خارجی است و همین مفهوم از آزادی به معنای حاکمیت فرد بر خویشتن است (حقیقت، ۱۳۸۱: ۲۴۴) در تعریف دیگر از آزادی آمده: آزادی عبارت است از این که اشخاص بتوانند هر کاری را که مایل به آن باشند انجام دهند، مشروط بر این که عمل آنان به حقوق دیگران صدمه ای وارد نسازد (قاسم زاده، ۱۳۳۶: ۴۴). اما خمینی □ در تعریف آزادی چنین فرموده اند:

«آزادی یک مسئله ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده شان آزاد است. کسی الزامشان نمی کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید. کسی الزامتان نمی کند که در کجا مسکن داشته باشی، یا در آنجا چه شغلی داشته باشی. آزادی یک چیز واضحی است» (موسوی خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۰: ۹۴-۹۵).

به طور کلی امام خمینی آزادی را جزء حقوق اولیه مردم می‌داند که موهبتی است از جانب خداوند و حکومت‌ها نمی‌توانند این حق را نادیده بگیرند و در این رابطه می‌فرمایند: «حق اولیه بشر است که من می‌خواهم آزاد باشم من می‌خواهم حرفم آزاد باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۵۱۰)

و در همین راستا است که آزادی شهروندان را دغدغه حکومت می‌داند و تضمین آن را نیز با حکومت می‌داند و می‌فرماید: «باید... آزادی‌ها در حدود قوانین اسلام و قانون اساسی به بهترین وجه تأمین گردد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۲۸۳).

### الف. مصادیق آزادی در اسلام

آزادی از مهم‌ترین ارزش‌ها در هر جامعه است که علیرغم مقبولیت و رونق آن در ادبیات سیاسی و حقوقی سه قرن اخیر در مورد مفهوم و مفاد آن برداشت‌ها و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. مقصود از آزادی در این‌جا، آزادی در مفهوم حقوقی آن است به عبارت دیگر سخن از هیئت حاکم یا قانون و مجری قانون است که تا چه حد می‌توانند آزادی افراد را در عرصه‌های مختلف زندگی تحدید نمایند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۸: ۲۵۲).

### ب. آزادی عقیده و بیان

عقیده یک عمل ارادی و اختیاری نیست که بتوان آزادی را بر آن اعمال یا از آن سلب نمود. لذا آزادی عقیده طبیعی‌ترین و اصیل‌ترین حق هر فردی از افراد بشر به شمار می‌رود و تحت هیچ عنوانی قابل نقض نیست با مراجعه به منابع اسلامی اعم از قرآن و روایات می‌توان دریافت که آزادی عقیده از ویژگی‌های خاص دین اسلام است. از جمله آیات مربوط به آزادی عقیده می‌توان به آیات ۲۰ سوره مبارکه آل‌عمران و ۱۰۴ سوره مبارکه انعام و آیه ۴۱ سوره مبارکه یونس و آیه ۴۸ سوره مبارکه شوری و... و همچنین آیاتی که دران سخن از تفکر و تعقل به میان آمده است: آیه ۵۰ سوره مبارکه انعام «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ» و یا در آیه ۱۸ سوره مبارکه زمر که ما را به شنیدن اقوال مختلف ترغیب و توصیه می‌کند که خود نمایانگر آموزه تعقل و تحقیق در یافتن حقیقت و واقعیت است «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ».

آنچه از آزادی گفته شد به معنای آن نیست که آزادی در اسلام بی‌قید و شرط بوده بلکه این آزادی تا جایی است که به کفر منتهی نشود و به همین جهت در متون دینی از اندیشیدن به آنچه انسان را از خدا دور می‌کند منع شده است و آیات فوق نیز اشاره دارد



که اعمال زور و اکراه در پذیرفتن عقاید راه مؤثری برای پذیرفتن دین و عقیده نیست و این در حالی است که این مسائل در قرون وسطی و دوران تفتیش عقاید توسط مسیحیان در قالب آیات قرآن نازل شده است. امام خمینی در باب آزادی عقیده می‌فرماید:

«انسان کامل اگر فهمید حرفش حق است با برهان اظهار نظر کند و مطالبش را برهانی بفرماند. این که در قرآن کریم دارد لا اکراه فی الدین برای این که تحمیل عقاید نمی‌شود کرد. امکان ندارد همین طوری به کسی تحمیل عقاید بکند» (رنجبر، ۱۳۸۲: ۱۵۶).

و در همین راستا ایشان در مصاحبه با مجله تایم می‌فرماید:

«مشاهده می‌شود که در مکتب اسلام بیش از هر مکتب دیگر و قبل از هر مکتب دیگری به‌طور رسمی بر آزادی عقیده دستور داده‌شده و به آن‌ها بها داده شده است. البته آزادی عقیده که جزء حقوق افراد جامعه می‌باشد تا جایی ادامه دارد که سبب اضرار به جامعه و آحاد مردم نشود و اگر ایجاد مفسده برای جامعه مسلمین بنماید قطعاً محدود خواهد شد» (موسوی خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۱: ۱۵۶-۱۵۷)

### ج. آزادی مذهب

آزادی مذهب بدین معنی که هر فرد می‌تواند هر مذهبی را که می‌خواهد انتخاب نماید و هیچ‌کس را نمی‌توان به پذیرش مذهب خاصی اجبار نمود و علاوه بر آن هر فرد بدون محدودیت بتواند مذهب خود را تغییر دهد و روشن است که اساساً دین امری قلبی و درونی و اکراه و اجبار با ماهیت آن سازگار نیست و آیه شریفه «لا اکراه فی الدین...» (سوره مبارکه بقره / آیه ۲۵۶) لذا با اجبار نمی‌توان آن را از قلب کسی زدود و حکم تشریحی مذکور در آیه فوق تصدیق‌کننده وجود آن واقعیت است (حقیقت و میر موسوی، ۱۳۸۱: ۲۵۱). امام خمینی نیز در باب آزادی اقلیت‌های دینی اشاراتی داشته‌اند از جمله:

«اسلام بیش از هر مسلکی به اقلیت‌های مذهبی آزادی داده است آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسان‌ها قرار داده است بهره‌مند شوند ما به بهترین وجه از آن‌ها نگهداری می‌کنیم در جمهوری اسلامی کمونیست‌ها در بیان عقاید خود آزادند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۳۶۴).

«اقلیت‌های مذهبی در آینده آزاد هستند و در ایران در رفاه زندگی خواهند کرد، و ما با آن‌ها باکمال انصاف و مطابق قانون عمل خواهیم کرد. آنان برادران ایرانی ما هستند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۰۱)

و یا می‌فرماید:

«اسلام همیشه حافظ حقوق مشروع اقلیت‌های مذهبی بوده است. آنان در جمهوری

اسلامی آزادند و آزادانه به مسائل خود می‌پردازند و در پناه حکومت اسلامی چون بقیه افراد در اظهار عقیده آزادند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۸۸)

#### ۴-۲. منع بازداشت خودسرانه

در تلفیق بین حرمت اشخاص و نظم جامعه باید توجه داشت که آزادی به‌عنوان حق طبیعی و متداول است تعرض به نظم جامعه امری استثنایی به شمار می‌رود که در این صورت تعقیب و دستگیری افراد باید منطقی، قابل توجیه و بر اساس ضوابط باشد (هاشمی، ۱۳۸۵: ۳۶۸-۳۶۹). حق افراد جامعه در این رابطه به‌طور کلی شامل عدم بازداشت خودسرانه، سلب آزادی صرفاً به‌موجب قانون، حق مطلع شدن از علل بازداشت، حق کنترل قضایی و جبران خسارت ناشی از توقیف غیرقانونی و عدم بازداشت در اموری که صرفاً حالت مدنی دارد می‌شود (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰: ۲۷۴). در واقع از منظر اسلام شیوه دیگری عمل شود کینه‌توزی‌ها در مردم برانگیخته خواهد شد و چه‌بسا منجر به شورش گردد (حقوقی، ۱۳۷۶: ۷۷-۷۸). در سوره مبارکه نساء آیه ۵۹ آمده:

«چون در چیزی کارتان به گفتگو و نزاع کشید به‌حکم خدا و رسول بازگردید. اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید این کار برای شما از هرچه تصور می‌کنید بهتر و خوش‌عاقبت‌تر خواهد بود».

امام خمینی (ره) هرگونه بازداشت و طبعاً تبعید بدون دلیل را نفی نموده و با هر نوع تضییع حق در حکومت اسلامی شدیداً مخالفت می‌کردند. در همین راستا بود که به مسئولان عالی قضایی فرمودند:

«شورای عالی قضایی و ستاد پیگیری در بررسی وضع زندانیان تسریع نمایند و هر کس استحقاق عفو را دارد به‌فوریت معرفی نمایند تا عفو شوند و به زندگی آزاد خود ادامه دهند و انشا الله عضو فایده‌بخش و فعال برای میهن خود گردند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۲۳۸).

و همچنین ایشان در ماده ۶ فرمان ۸ ماده‌ای نیز صراحتاً بر منع و تبعید و بازداشت خودسرانه تأکید کرده‌اند.

#### ۳-۴. آزادی بیان

آزادی بیان و ابراز آزادانه عقاید و افکار منجر به تضارب آرا و به دنبال آن شکوفایی اندیشه خواهد شد. آزادی بیان در رابطه مردم و حکومت موجب اصلاح کار حکومت و جلوگیری از فساد خواهد شد.

از نظر اسلام ابراز عقاید و بیان واقعیات از جانب فردی که آگاهی از حقایق امور دارد لازم است و اگر با وجود قدرت بر بیان آن‌ها از این امر امتناع ورزد مسئول خواهد بود و عقوبت خواهد شد (جعفری، ۱۳۷۰: ۴۲۵). البته آزادی بیان به معنای آزادی در تجاوز به حقوق جامعه نخواهد بود بلکه مواردی مثل دروغ، غیبت، تهمت از استثنائات این آزادی هستند.

امام خمینی (ره) در این باب می‌فرماید:

«در جمهوری اسلامی هر فردی از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار خواهد بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۳۹).»

«مملکت متمدن آن است که آزاد باشد، مطبوعاتش آزاد باشد، مردم آزاد باشند در اظهار عقاید و رأیشان» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۳۳).

«مطبوعات در نشر همه حقایق و واقعیات آزادند. هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم را به خطر نیندازد آزادند و اسلام در تمامی این شئون حدود و مرز آن را تعیین کرده است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۲۶۶).

البته ایشان آزادی بیان را تا حدی که به منافع جامعه آسیب نرساند بلامانع می‌دانستند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۴۳۲).

#### ۴-۴. رعایت حریم خصوصی

لفظ خصوصی به‌طور ساده به معنی آن چیزی است که تصمیم‌گیری در خصوص آن مستقلاً بر عهده خود شخص می‌باشد (انوری، ۱۳۸۵: ۹۲۷) مصونیت مسکن و شغل، عقیده و مذهب و مال و دارایی در زمره حریم خصوصی محسوب هست لیکن این آزادی نباید منجر به اضرار سایرین گردد. از جمله مواردی که در قرآن کریم به رعایت حریم دیگران اشاره شده آیه ۲۸ سوره مبارکه نور می‌باشد:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌ای غیر خانه‌های خودتان وارد نشوید، مگر آن‌که اجازه بگیرید و بر ساکنانش سلام کنید، این برای شما بهتر است، شاید پند گیرید، اگر کسی را در خانه نیافتید، دران داخل نشوید، تا به شما اجازه داده شود، اگر به شما گفته

شود: برگردید، برگردید که برای شما بهتر است، و خدا به اعمالی که می‌کنید دانا است». به همین جهت و اثرات است که سرکشی در خانه و وسایل دیگران امری مذموم بوده و حتی حضرت علی(ع) می‌فرماید:

«داخل خانه‌های دیگران نشوید مگر از در آن‌ها، و هرکسی که از غیر درها وارد شود دزد نامیده شود» (نهج البلاغه، بی تا، ج ۲: ۵۸).

امام خمینی نیز در ماده ۶ فرمان ۸ ماده‌ای خانه و مسکن هر کس را مصون از تعرض دانسته و حتی در مورد کسانی که مظنون به ارتکاب جرم هستند نیز تفحص و جستجوهای که متکی به دلیل نباشد مجاز نیست.

«نباید ما تعدی کنیم و ظلم کنیم و تفتیش از داخل خانه‌های مردم بکنیم، نباید هم آن‌ها خیال کنند که نخیر، دیگر گذشت مسائل، هر کاری می‌خواهیم بکنیم: یک دغدغه درست کنند، اگر اطلاع صحیح پیدا شد که عشرتکده در یکجایی است، یکجایی می‌کده است، یکجایی قمارخانه است، این‌ها همشان باید جلوگیری شود و اگر کسی بیرون هم آمد و یک کاری را، اگر خلاف بود انجام داد، آن‌هم باید جلوگیری شود» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۱۶۱).

که این فرمایش امام در واقع مبتنی بر اصول کلی فقهی و عقلانی است که ضرورت برخی محظورات را مباح می‌کند «الضرورات تبيح المحظورات» بر این اساس امام خمینی □ در عین اعتقاد به حریم خصوصی شهروندان مبنای آن را قوانین نشأت گرفته از وحی الهی و محدود به اخلاق عمومی می‌دانستند.

#### ۴-۵. آزادی سیاسی

آزادی سیاسی به‌طور خلاصه به آزادی در قانون‌گذاری و انتخابات صدق می‌کند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۸: ۲۶۵) و این بدین معناست که فرد بتواند در انتخاب مقامات سیاسی دخالت داشته و خود نیز امکان نائل آمدن به این مقامات را داشته باشد و عقاید سیاسی و اجتماعی خود را آزادانه بیان نماید (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰: ۹۶).

امام خمینی در باب آزادی رأی و حق تعیین سرنوشت به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر می‌فرماید:

«اسلام به ما اجازه نداده که دیکتاتوری کنیم. ما تابع رأی ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد ما هم از آن‌ها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم. خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل کنیم... اساس این است که مسئله دست من و امثال من نیست و دست ملت است» (موسوی خمینی،

۱۳۷۸، ج ۱۱: ۳۴-۳۵).

#### ۴-۶. حق تأمین اجتماعی

در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر صراحتاً اشاره شده که همه افراد بشر بدون هیچ قیدی اعم از رنگ، نژاد، قومیت، مذهب، و... باید از نظر سلامتی و رفاه در جامعه تأمین باشند. در واقع هدف از ارسال پیامبران الهی ایجاد عدل و قسط در جوامع بشری بوده است. حضرت علی(ع) در نامه به مالک اشتر سفارش می‌کند باید از یتیمان و از کار افتادگان را آبرومندانه اداره کنی و سهمی از بیت‌المال برای آن‌ها قرار دهی (نهج البلاغه، بی‌تا: نامه ۵۳). در اصل ۲۹ قانون اساسی آمده است:

«برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه، حقی است همگانی: دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند».

امام خمینی نیز در طول دوران انقلاب همواره بر گسترش عدل و انصاف در جامعه توسط دولت اسلامی تأکید داشتند «چراکه اسلام یک حکومت عدل‌گستر است... اسلام برای اقامه حکومتی عدل‌گستر آمده است».

«و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی همان است که مثل سلیمان بن داوود(ع) و پیامبر عظیم‌الشان اسلام(ص) و اوصیای بزرگوارش برای آن کوشش می‌کردند، از بزرگ‌ترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است. کسانی هستند که زندگی خود را نمی‌توانند بچرخانند، نه مال به قدر اشاعه یک سال دارند و نه قوه کسب‌وکار و منفعت دارند. این‌ها مساکینی هستند که به واسطه پیری یا نقصان اعضا از کار افتاده باشند. دولت باید هر طور صلاح می‌داند آن‌ها را اداره کند...» (موسوی خمینی، بی‌تا: ۲۵۸-۲۵۹).

۶۷  
دو فصلنامه مطالعات  
حقوق و حقوق اجتماعی

جمشید صفاری  
مفهوم‌شناسی حقوق شهروندی با تأکید بر اندیشه امام خمینی(ره)

## نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی در حقیقت نماینده‌ی یک نیاز ذاتی و فطری انسان‌ها در اجتماع است به همین جهت قابل سلب از شهروندان نیست. تعیین مبانی و مصادیق حقوق بشر در هر جامعه‌ای بر مبنای نوع نگرش آن جامعه به انسان است و به همین جهت است که اعلامیه جهانی حقوق بشر که نگاهی صرفاً مادی به انسان دارد از اشراف بر تمام ابعاد وجودی انسان ناتوان است. از منظر امام خمینی رعایت حقوق شهروندی شرط تحقق یک اجتماع مترقی است. و در حقیقت حقوق شهروندی را موهبتی الهی دانسته که هیچ مقامی حق سلب آن را ندارد و تفاوت‌های بشری نمی‌تواند در کیفیت و کمیت آن اثرگذار باشد. در حقیقت شاکله دیدگاه امام خمینی در خصوص حقوق بشر آن است اگر اسلام ناب در جامعه پیاده شود دغدغه‌ای در قالب حقوق شهروندی از قبیل آزادی، آزادی اندیشه، آزادی بیان، حق تعیین سرنوشت وجود نخواهد داشت.

۶۸

دوفصلنامه مطالعات  
حقوق فقهی اجتماعی

سال اول، شماره اول، پائیز و زمستان ۱۳۹۴

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. انوری، حسن (۱۳۸۵)، فرهنگ فشرده سخن، تهران: انتشارات سخن.
۳. جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۰)، تحقیق در دو نظام حقوقی جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیقان دو با یکدیگر، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
۵. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۰)، تحقیق در دو نظام جانی حقوق بشر تهران، تهران: دفتر خدمات حقوق بین‌الملل.
۶. جناتی، محمدابراهیم (۱۳۷۰)، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، تهران: انتشارات کیهان.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ش)، حقوق و تکلیف در اسلام، قم: نشر اسراء.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ش)، فلسفه حقوق بشر، قم: نشر اسراء.
۹. حقوقی، عسکر (۱۳۷۶)، حقوق بشر در اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۱۰. حقیقت، سیدصادق و میرموسوی، سیدعلی (۱۳۸۱)، مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

۱۱. خوئینی، غفور (۱۳۸۶)، توسعه پایدار و حقوق شهروندی، تهران: فرهنگ صبا.
۱۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۶۸)، درآمدی بر حقوق اسلامی، تهران: انتشارات اسوه.
۱۳. رنجبر، مقصود (۱۳۸۲)، حقوق و آزادی‌های فردی از دیدگاه امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۴. صفایی، سید حسین (۱۳۷۴ش)، مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: نشر میزان.
۱۵. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۸)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۶. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۰)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول (بی‌تا)، نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران: انتشارات اسوه.
۱۸. علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول (بی‌تا)، نهج‌البلاغه، ترجمه محمد عبده، تهران: انتشارات اسوه.
۱۹. قاسم‌زاده، قاسم (۱۳۳۶)، حقوق اساسی فرانسه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. قربانی، زین‌العابدین (۱۳۸۳)، اسلام و حقوق بشر، تهران: نشر سایه.
۲۱. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۲. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، ولایت‌فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۳. موسوی خمینی، روح‌الله (بی‌تا)، کشف الاسرار، بی‌جا: بی‌نا.
۲۴. ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۲)، اعلامیه جهانی حقوق بشر، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۵. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۵ش)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر میزان.